

# سرخ‌ترین روستای ایران

روایتی اختصاصی از سبک زندگی مردم روستای «ایبانه»

به همراه گفت‌وگو با یک معمار و یکی از بومیان که درباره تاریخ و جغرافیای زادگاهش کتاب نوشته است

نجات شکوندی | روزنامه نگار

پرونده

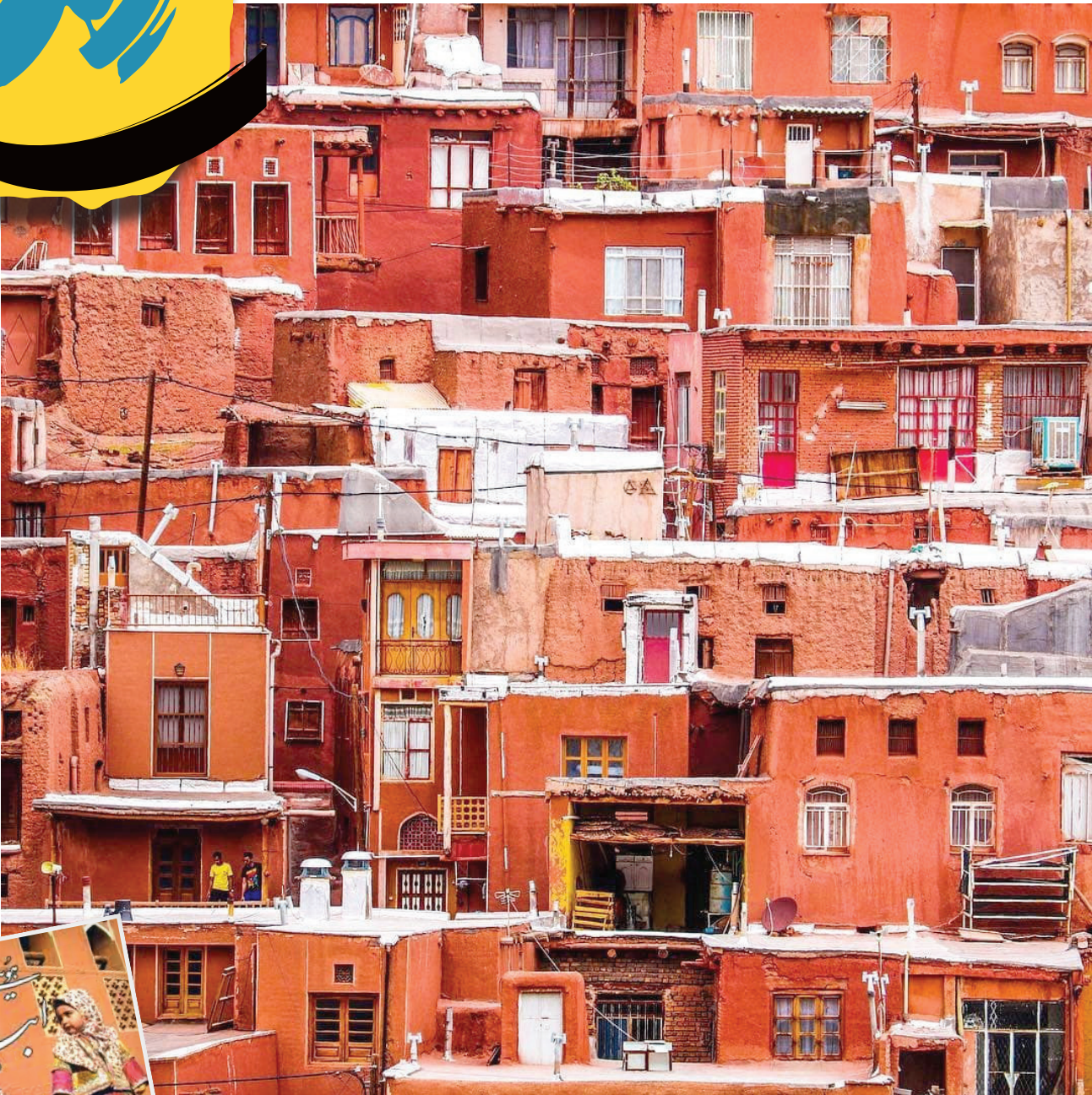
این جاییبانه است، روستایی سرسبز و آرام واقع در دامنه کوهستان با صفای مردمانی از جنس کوبیر و درختانی سترگ و تاریخی سترگ‌تر که سال‌هاست بر پای معرفت‌شان رودی از عشق جاری است. این جاییبانه است با خانه‌هایی سرخ‌رو و همچون روی مردمانش و پنجره‌هایی چوبی و ارسی‌هایی که بوی زندگی و شعرهای ناب سهراب می‌دهد. این جاییبانه است و بر فراز هر کوچه آشتی‌کنانش که مجال قهر به هیچ رهنگ‌ری نمی‌دهند، ایوانی است و به دوستی همسایه‌ها که هر روز صبح، طلوع خورشید را در پس باهم بودن جشن می‌گیرند. این جاییبانه است؛ جایی که شکوه معماری متناسب با اقلیم با پس‌زمینه‌ای فرهنگی و سنت مردمانش می‌شود نشانه‌ای تمام‌قد از تاریخ سرزمینی که بارها و بارها به آن افتخار کرده‌ایم. این جاییبانه است؛ جایی که مردمان پاک‌دلش سال‌هاست رزق از دامن خاک می‌چینند و با صفای باران خوی می‌گیرند و چشم امید جز به دل آسمان ندارند. این جاییبانه است؛ جایی که در پس هر پیچ کوچه‌اش پیرزنی، اسپندی به نخ کرده و به پای چشم‌زخم‌های باز دید کنندگان به پهای اندکی می‌فروشد. این جاییبانه است؛ جایی که پهنه آسمان در انتهای سنگ فرش‌های شیب دار و پس کوچه‌های خوش‌ذوق‌اش، شوق پرواز را با صدای کوی کبوترانش در هم می‌آمیزد و شعر فروغ را به ذهن می‌آورد. بله، ایبانه است که در پرونده امروز زندگی سلام به سرآغش رقتیم تا بیشتر و بهتر بشناسیمش. علاوه بر روایت‌های اختصاصی از سفر به آنجا، با علی اکبر ارشدی ایبانه، یکی از بومیان این روستا و یک معمار درباره مدل خاص خانه‌هایش گفت‌وگو کردیم.



## خطرات بازدید نصف‌روزه

### از ایبانه

یکی از جذاب‌ترین بخش‌های دوران دانشجویی در دانشکده‌های معماری، قطعاً سفر و بازدید از مکان‌های خاص از هنر معماری ایران است. معماری ایران که از دیرباز با فرهنگ و سنت ایران درآمیخته و مهر طبیعت بر پیشانی دارد، همیشه حاوی نکاتی است که می‌تواند بهترین کلاس درس معماری در طول دوران تحصیل هر معمار باشد. یکی از این جاذبه‌ها که سال‌هاست توجه هر بیننده‌ای را فارغ از معماری معطوف خود می‌کند، بافت سنتی شهر کاشان، تهیه‌های سیلک و البته روستای کهن و باصفای ایبانه است. گروه دانشجویی ما که چند روز مهمان دیار پر از مهر کاشان بود، فرصت یافت در یک نصف‌روز سری به این روستا از توابع نظنر یزندوبارها از معماری این اقلیم که هنوز در گذر سال‌ها بوی اصالت می‌دهد، شگفت‌زده شد. از خانه‌های معروف کاشان که بگذریم، در چند کیلومتری شهر نظنر کنار تاسیسات هسته‌ای و در دامنه کوهستان و همجوار رودخانه، روستایی پلکانی وجود دارد که از فاصله دور سلامی به سرخی غروب آفتاب را آثار قدوم بازدید کنندگانش می‌کند. این گردش چند ساعته که گویی سفری به درازای سال‌های ایبانه در پهنه تاریخ بود، از گردش در کوچه پس کوچه‌های شیب دار و ایوان‌های باصفا با ستون‌های چوبی شروع و به آتشکده، آسیاب و مسجد ختم شد. آتشکده ایبانه که به «هارپارک» هم شهرت است، اولین مقصد بازدید بود. این مکان که کهن‌ترین اثر در دل این روستاست، قدمتی ۲ هزار ساله دارد و از معدود آتشکده‌های بازمانده در ایران است. این بنای چهارطاقی ساخته شده از گچ و سنگ لاشه، سه طبقه و چهار نما دارد و مانند بیشتر بناهای این روستا روی سطح شیب دار ساخته شده است. محلی‌ها به گواهی تاریخ می‌گویند در مرکز این آتشکده، آتشی از زغال سنگ به صورت دائم روشن و روشنی بخش مسیر کاروان‌ها در طول تاریخ بوده است. بعد از آتشکده و در میان چشمان پر از مهر و صورت‌های خندان پیرزنانی که اسپند و سیب خشک شده می‌فروختند، به دیدن آسیاب‌های ایبانه می‌رویم. از سه آسیاب معروف این دیار تنها چرخ یکی از آن‌ها هنوز می‌چرخد و گندم را آردنان اهالی‌اش می‌کند. در انتها سری هم به مسجد جامع این روستا زدیم. مسجدی شامل دو شبستان که یکی با در کوچکی به یکی از کوچه‌ها متصل می‌شود. کف این شبستان‌ها عمدتاً از جنس چوب هستند و در دیوار جنوبی یکی از آن‌ها محراب چوبی قرار دارد. هر چند دسترسی به این مسجد کهن با محراب و منبر چوبی معروف‌اش محدود شده بود اما می‌شد از عکس‌ها و توضیحات متولی مسجد به اهمیت این مسجد و منبر چوبی کنده‌کاری شده با خطوط کوفی و گل‌لوتوس‌پی‌برد. در انتها اهالی روستا با روی باز و آتش محلی، ما را که از این سنت و معماری شگفت‌زده بودیم، بدرقه دیار مان کردند.



## از غذا و سوغات تا آداب و رسوم خاص

گفت‌وگو با «علی اکبر ارشدی ایبانه» یکی از بومیان روستای ایبانه که راجع به تاریخ و جغرافیای این روستا کتاب نوشته است

«علی اکبر ارشدی ایبانه» یکی از بومیان فرهنگی این روستا و از کسانی است که راجع به تاریخ و جغرافیای این روستا کتاب نوشته است. برای آشنایی بیشتر با فرهنگ و آداب و رسوم این روستا از نویسنده کتاب «ایبانه، هویتی ماندگار» خواستیم تا برای مان از اطلاعات کمتر شنیده‌شده این روستا بگوید. در ادامه، گزیده‌ای از آن‌ها را خواهید خواند:



### غذا و سوغات، از سووالا

**تاترشی** سوغات روستا بیشتر جنبه کشاورزی دارد که وجود دومدل درخت سیب و آلو در آن بی‌تاثیر نیست. به همین دلیل آلو بخارای خشک‌شده در کنار سیب خشک‌شده که «سووالا» نامیده می‌شود و لواشک و برگ زردآلو از مهم‌ترین سوغاتی‌های این روستاست.

یکی از خوراکی‌های معروف آشی به نام «آردینه» است که از رشته‌فرنگی به همراه برگ چغندر و گیاهی بومی به نام «سالما» که گاهی جایگزین برگ چغندر می‌شود، طبخ می‌شود. از دیگر غذاها شکنه است که آرد در روغن سرخ‌وسپس دو لیوان آب به آن اضافه می‌شود. «ترشی» هم از دیگر غذاهاست و آشی است که با جوبلغور شده به همراه چغندر، آلوچه و سیرابی خرد شده، آلا، هم پخته می‌شود. سیب‌زمینی کوبیده هم نوع دیگری از غذاست که پس از پخته‌شدن و کندن پوست سیب‌زمینی به آن پیاز داغ اضافه و تقریباً می‌شود شبیه گوشت کوبیده. از دیگر غذاها هم می‌توان از شیر برنج که در گذشته به جای شکر، شیره سیب‌روی آن ریخته می‌شد و کال جوش که مقدار آن پیاز داغ، نعناع و کشک و مغز گردو به آن اضافه می‌کنند، نام برد.

**پوشاک خاص‌ترین مولفه فرهنگی روستا** پوشاک ایبانه بارزترین و خاص‌ترین مولفه فرهنگی روستاست. پوشاک مردان شامل یک شلوار مشکی و گشاد است که پارچه آن با نخ سیاه چرخ‌کاری می‌شود و نوع دوخت برای مردان مسن خطوط ساده و موازی و برای مردان جوان مورب و لوزی است. اکنون هم از گیوه به صورت محدود استفاده می‌شود اما در گذشته مرسوم بوده است. پوشاک زنان این روستا هم با الهام از آسمان شفاف و زیبایی طبیعی این منطقه با رنگ‌ها و بوته‌های رنگین و درشت مزین شده است و ترکیبی مناسب و محفوظ برای زنانی که پایه‌ای مردان در امور عمومی روستا شرکت می‌کنند، فراهم آورده است. پوشش زنان روستا یک پیراهن هم دارد که در گذشته کوتاه‌تر و گشادتر بوده است، ولی امروزه بلندتر است و از پارچه‌های رنگی برای چاک‌های آن استفاده می‌شود. این پیراهن در طرح‌ها و رنگ‌های مختلف از پارچه‌های مخمل ساتن یا انواع جدید پارچه دوخته و با هنر دست گلدوزی و براق‌دوزی می‌شود. یقه و چاک‌های زیبای این لباس که از پارچه‌های گلدار است، جلوه خاصی به این نوع لباس‌ها می‌دهد. خانم‌های جوان هم از پیراهن‌هایی با جنس



مخمل یراق دوزی به رنگ‌های شاد روشن همچون قرمز، سبز و زرد استفاده می‌کنند. شلوار این قشر هم به رنگ سیاه است که پای شلوار یراق دوزی شده و بر از چین است و به صورت دامن تازیر زانو دوخته می‌شود. این شلوار -دامن دوپاچه دار اما به دلیل گشادی و پرچین بودن دوپاچه آن مشخص نیست و به صورت دامن دیده می‌شود. بعضی از دوختن این شلوار حدود ۸ تا ۱۰ متر پارچه استفاده می‌شود. بعضی از جامعه‌شناسان معتقدند که هر مقدار چین شلوار زنان بیشتر باشد، از اشرافیت بیشتری برخوردارند و چون لباس زنان ایبانه چین زیادی دارد، احتمالاً از طبقه اشرافی‌اند. راجع به گویش هم باید بگوییم گویش ایبانه جزو گویش‌های مرکزی است و جدا از لهجه‌های اصفهان یا کاشان با ویژگی خاص خود است، برای نمونه در این گویش برای مذکر و مونث بودن اشیا هم فرق قائل هستند به عنوان مثال بیل به صورت مونث است و کلنگ مذکر.



**آثار تاریخی و گردشگری، از آسیاب تا مسجد جامع** یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی ایبانه، مسجد جامع است که منبر و محراب آن به قرن پنجم هجری قمری و حدود سال ۴۷۷ برمی‌گردد و قدیمی‌ترین منبر چوبی بازمانده است. علاوه بر این آسیاب و آتشکده هم وجود دارد که قدمت آتشکده به حدود ۲ هزار سال پیش می‌رسد. در این منطقه چند آتشکده وجود دارد که نشان می‌دهد این منطقه یک مرکز مهم برای زرتشتیان قبل از مهاجرت اجباری به هند در زمان صفویه بوده است. از نظر تاریخی ایبانه یک محله دارد به اسم «نزاتون» که آثاری از سفال‌های سیلک در آن یافت شده است. این سفال‌ها نشان می‌دهد در حدود ۷ هزار سال پیش سیلک‌ها از کاشان به ایبانه مهاجرت کرده‌اند. اما تنها چیزی که من خودم مستقیماً روی آن کار کردم، آثاری است از قلعه‌سازی که حدود ۱۵-۱۰ سال قبل نزدیک یکی از هتل‌های پایین ده، پایه‌های آن توسط تیم کاوشگری میراث فرهنگی کشف شد. می‌توانید در کتاب‌های بنده عکس یک ظرف سفالین از آن کاوشگری را مشاهده کنید. در پایان راجع به گردشگر باید بگوییم به هر منطقه‌ای که وارد می‌شوند هم در آمد و شکوفایی اقتصادی دارد هم تخریب و این یک موضوع عادی و طبیعی است. مردم روستا گردشگری را دوست دارند که جنبه فرهنگی آن پررنگ باشد چون ایبانه از قدیم گردشگر خارجی داشته است، مثلاً قبل از کرونا روزی بوده است که ما از ۸ هزار گردشگر پذیرایی کرده‌ایم و برای یک روستای به این کوچکی حجم تحرک این افراد حتی می‌تواند آسیب‌زا باشد.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه شنبه • ۲۱ دی ۱۴۰۰  
۸ جمادی الثانی ۱۴۴۲ • ۱۱ ژانویه ۲۰۲۲  
شماره ۲۰۸۴۹

۲۰۶۹

## معماری هماهنگ با طبیعت و

### خانواده محور

یادداشت یک کارشناس معماری درباره یکی از بلندترین نقاط مسکونی ایران، ویژگی‌هایش و ... که جلوه منحصر به فردی به آن داده است

علی خدائی | کارشناس معماری دانشگاه آزاد اصفهان

روستای ایبانه که به نام «ویونا» هم شناخته می‌شود، یکی از بلندترین نقاط مسکونی ایران به شمار می‌رود و به دلیل قرارگیری در دامنه کوه کرکس و همجواری با رود برزرو از قدیم الایام، مأوا و مسکن بومیان این کهن دیار بوده است. خانه‌هایی رنگی با جلوه‌ای به سرخی غروب آفتاب که این روستا را به سرخ‌ترین روستای ایران بدل کرده و پلکانی بودن آن در دامنه شیب‌دار کوهستان جلوه‌ای منحصر به فرد به این خانه‌ها داده است. علت این زیبایی را هم می‌توان در استفاده از مصالح بوم‌آوردی از جنس رس جست‌وجو کرد که خود عامل وحدتی است میان تمام خانه‌های این روستا. این ویژگی علاوه بر زیبایی، استقامت بنا را در مقابله با زلزلات جوی افزایش داده و با ترکیب با چوب، سنگ و خشت، به شناسنامه‌ای از هویت کوهستانی این منطقه تبدیل شده است. اما این هویت تنها بخش کوچکی از اهمیت خشت در این بناست. در پس ظاهر استفاده از خشت، باطن عایق بودن آن نهفته است. از طرف دیگر تخت بودن شکل بام بودن، وظیفه حیاط بارش برف در این منطقه کوهستانی باعث شده است که خود برف همچون عایقی مانع از کاهش بیشتر دما درون خانه‌ها شود. سقف‌هایی که علاوه بر بام بودن، وظیفه حیاط طبقه بالایی را هم بر دوش می‌کشند. پلکانی بودن روستا بر دامنه شیب‌دار، خاصیتی دیدنی را به نماهای داخلی خانه می‌بخشد. این خانه‌ها با کوچه‌پس کوچه‌های شیب دار و تصرفات پیاده‌محور به یکدیگر متصل‌اند. کوچه‌هایی که هیچ کدام بن بست نیستند و می‌شوند بهترین بهانه برای پرسه‌زنی در دل این روستا. در صد زبانی از خانه‌های ایبانه صرفاً دارای فضایی برای سکونت هستند. این فضای اقامتی که شامل اتاق‌های خواب، مهمان، نشیمن و ... است، جدا از فضاهایی که جنبه عمومی دارد مانند طویل‌دها، محل بخت‌نان، حمام و سرویس بهداشتی است. این فضاهای عمومی خارج از فضای خانه و در بافت روستا گسترده شده است. این گسترده‌گی مثل آشپزی کردن در نشیمن، ترس یا نزدیکی محل ورود به خانه، اهمیت و نقش پررنگ سیلوها و انبار‌های ذخیره غلات در معماری این خانه‌ها را نشان می‌دهد. خانه‌های ایبانه کاملاً مطابق با اقلیم این منطقه و خانواده‌محور است. حیاط مرکزی که یکی از خاستگاه‌های معماری ایرانی است به منظور فراهم آوردن شرایط مناسب برای زندگی یا به تعریفی فرا از گر دوغبار، گرما و سرمای زیاد است. در ایبانه وجود آب، باغ‌ها و مزارع، شرایط اقلیمی خوبی به ایوان می‌دهد و دیگر از حیاط‌های فراخ با اتاق‌های دور تادور خبری نیست. این ایوان‌ها که از بدنه خانه‌ها به سمت مسیر گذر کوچه‌ها باز می‌شوند، باعث ارتباط صریح میان انگیزی میان اهالی روستا با یکدیگر با حتی با گردشگران می‌شوند که خود دال بر اجتماعی بودن اهالی و البته معماری این روستاست. اما اجتماعی بودن به همین خاسته نمی‌شود، در پایین ایوان‌ها، سکو‌هایی وجود دارند که به پاتوق اهالی روستا تبدیل شده‌اند. این سکو‌ها که می‌توان آن‌ها را آتشدان‌های قدیم در خانه‌ها هم دانست، اکنون به محیطی روزانه برای فعالیت‌های اجتماعی و ارتباطی واسطه با غیر بومیان و گردشگران در عرضه محصولات صنایع دستی و بومی ایبانه تبدیل شده است. وجود اماکنی به قدمت چند صد سال همچون قبرستان چند صد ساله، آب‌انبار، مسجد متعدد تاریخی، آتشکده زرتشتی، قلعه‌ها و آسیاب که به مدد اهالی روستا و سازمان میراث فرهنگی، حفظ و نگهداری شده‌اند، به قدری جدی گرفته شده است که از ساخت‌وسازهای مغایر با بافت روستایی اصلاً خبری نیست و اهالی روستا هم از این موضوع همچنان حمایت می‌کنند.

